

تروریسم و جرایم سازمان یافته؛ مطالعه موردی پ.ک.ک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۳

محمدعلی قاسمی*

چکیده

پایان جنگ سرد و خاتمه حمایت ابرقدرت‌ها از گروه‌های مخالف یکدیگر، جهانی شدن، آغاز مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر و کاهش حمایت علنی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی و.. موجب روی آوردن سازمان‌های تروریستی به فعالیت‌های مافیایی برای دستیابی به منابع مالی جدید شد. نتیجه آن، ایجاد سازمان‌های ترکیبی یا همدستی دو نوع سازمان مافیایی و تروریستی بوده است. در این مقاله پس از ارائه بحثی تحلیلی در باب این موضوع، مورد حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بررسی می‌شود. پ.ک.ک از اوایل دهه ۱۹۹۰ ابتدا به صورت همدستی با سازمان‌های مافیایی و سپس با دخالت مستقیم در این قبیل فعالیت‌ها، در مسیر پیوند با جرایم سازمان یافته گام برداشته است. این پیوند به تداوم حیات تروریسم کمک می‌کند و باید در استراتژی‌های مهار تروریسم در نظر گرفته شود. واژگان کلیدی: تروریسم، جرایم سازمان یافته، سازمان ترکیبی، منابع مالی، پ.ک.ک.

mualiq@gmail.com

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیستم ● شماره سوم ● پاییز ۱۳۹۶ ● شماره مسلسل ۷۷

مقدمه

طی دو دهه اخیر مطالب فراوانی درباره نسبت گروه‌های تروریستی و سازمان‌های تبهکاری منتشر شده است. برخی محققان معتقدند تحولات پس از جنگ سرد، کمپین «مبارزه با تروریسم» به رهبری امریکا، جهانی شدن ارتباطات و اینترنت و نیازهای مالی گروه‌های تروریستی باعث شده است تا خط فاصل بین گروه‌های تروریستی و سازمان‌های دخیل در جرایم جمعی و سازمان‌یافته (نظیر قاچاق، آدم‌ربایی، پول‌شویی، جعل و...) کم‌رنگ و مبهم شود. در این نوشتار پس از ارائه بحثی کوتاه در باب مفاهیم تروریسم و جرایم سازمان‌یافته و مرور مختصر ادبیات تحقیق، چارچوبی نظری اتخاذ خواهد شد؛ تا از خلال آن، اعمال و اقدامات گروه پ.ک.ک بررسی شود. این بررسی پرتوی بر عمل‌کرد گروه‌های تروریستی مشابه در ایران هم خواهد افکند.

الف. تروریسم و جرایم سازمان‌یافته

با وجود اینکه تروریسم پدیده جدید و نوظهوری نیست، اما در باب تعریف آن اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد. سازمانی که از نظر یک کشور/ دولت گروهی تروریستی محسوب می‌شود، از نظر کشوری دیگر می‌تواند تشکیلاتی آزادی‌بخش یا حق‌طلب محسوب شود و بالعکس. در واقع، در این قبیل تعاریف، منافع و علایق، اعتقادات و برداشتها دخیل‌اند. البته تروریسم خود پدیده چندوجهی است و چون گروه‌های تروریستی اهداف و تاکتیک‌های متفاوتی دارند و احیاناً با اقوام مختلف مناسبات متفاوتی دارند، وجود تلقی‌های مختلف از این گروه‌ها عجیب نیست. محققان به ابهامات تعاریف موجود معترف هستند. از این‌رو، تلاش به عمل آمده تا تعاریف مورد قبول بین‌المللی و حقوقی از آن به‌دست داده شود. یکی از این قبیل تعاریف متعلق به کنوانسیون بین‌المللی توقف تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) است؛ که در ماده ۲ آن در تعریف تروریسم آمده است:

هر اقدامی که با قصد کشتن یا آسیب جدی رساندن به فردی غیرنظامی یا هر شخص دیگری که در خصومت‌های یک وضعیت جنگی شرکت ندارد، هنگامی که هدف اقدام مزبور،

بالذات یا حسب شرایط، ارباب مردم یا واداشتن حکومت یا سازمانی بین‌المللی به عملی خاص یا اجتناب از آن عمل باشد (Golder and Williams, 2004: 274).

در تعریف دیگری که در پیش‌نویس کنوانسیون جامع تروریسم بین‌الملل و پس از ۱۱ سپتامبر ارائه شده، نکات زیر مدنظر قرار گرفته است:

۱. بر اساس این کنوانسیون هر شخصی [تروریست است اگر] مرتکب تخلفی مشمول مراتب زیر شود و برخلاف قانون و عامدانه باعث:

الف. مرگ یا جراحت جدی به هر شخصی شود؛

ب. باعث خسارت جدی به اموال شخصی یا دولتی و از جمله اماکن عمومی، تأسیسات

دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی، تأسیسات زیربنایی یا زیست‌محیطی گردد؛

ج. به اموال و اماکن، تأسیسات یا سیستم‌های مزبور در بند ب این ماده آسیب برساند، خواه باعث خسارات عمده اقتصادی شود یا نشود، اگر هدف عمل، حسب طبیعت آن یا حسب اوضاع و احوال، ارباب مردم یا واداشتن حکومت یا سازمانی بین‌المللی به اقدامی یا اجتناب از اقدامی باشد (Golder and Williams, 2004: 274).

ملاحظه می‌شود که به‌رغم اختلافات جزئی، این تعاریف بهتر از تعاریف دولتی (و از جمله تعریف وزارت خارجه آمریکا) است. در مجموع، می‌توان گفت که گروه‌های تروریستی «گروه‌هایی هستند که با اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک، در راستای تغییر نظم موجود، به صورت سیستماتیک به خشونت متوسل می‌شوند و می‌کوشند مقامات و مردم را با [توسل یا تهدید به اعمال] خشونت، به قبول اغراض خویش وادارند». بعضی محققان هم به‌جای ارائه تعریف، به ذکر ویژگی‌های تروریسم پرداخته‌اند. برای نمونه، در یک مورد تروریسم این‌گونه توصیف شده است: «خشونت سازمان‌یافته، با هدف ارباب و اجبار، برای وصول به اغراض سیاسی یا تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی، که هدف غایی‌اش نابودی «دشمن» یا به کرسی نشاندن آمال خویش است (West Sands Advisory LLP, 2012: 10).

در خصوص تعریف «جرایم سازمان‌یافته» ابهام زیادی وجود ندارد و تعاریف روشن‌تری در دست است. براساس کنوانسیون جرایم فراملی (پالرمو) گروه مجرم سازمان‌یافته گروهی متشکل از سه تن یا بیشتر است که برای دوره زمانی مشخصی وجود داشته و به‌طور هماهنگ

با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی فعالیت می‌کنند (کنوانسیون سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰: ضمیمه شماره ۱). محققان برای گروه مجرم سازمان یافته، خصوصیات نظیر «ساختار سلسله‌مراتبی، تداوم، توسل به زور و خشونت، عضویت محدود، فعالیت غیرقانونی، نفوذ در سیستم‌های مالی و پولی رسمی و فساد هم‌قائل شده‌اند» (Finckenhauer, 2005). این‌ها ویژگی‌های سازمان‌های مافیایی است و این قبیل گروه‌ها، مافیا، باندهای تبهکار و نظایر آن هم خوانده می‌شوند. در این مقاله، برای اختصار و سهولت، گاه از آن‌ها با نام سازمان‌های مجرمانه نیز یاد خواهد شد. به هر حال، شاید مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دسته سازمان، به فهم ماهیت هر یک کمک کند.

شباهت‌های گروه‌های تبهکاری و تروریستی:

۱. هر دو مخفیانه و به صورت شبکه‌های زیرزمینی عمل می‌کنند.
۲. هر دو از زور و خشونت علیه قربانیان غیرنظامی استفاده می‌کنند.
۳. ارباب^۱ ابزار دست هر دو گروه است.
۴. کنترل هر دو نوع سازمان بر فرد و سرنوشت او شدید و حیاتی است.
۵. تاکتیک‌های مشابهی دارند (قتل، آدم‌ربایی و اخاذی به اشکال مختلف).
۶. هر دو از سازمان‌های به ظاهر مشروع نظیر سازمان‌های تجاری و خیریه‌ها استفاده می‌کنند.

در کنار این شباهت‌ها، باید گفت که تفاوت‌های مهمی هم بین دو نوع گروه وجود دارد:

۱. تروریست‌ها، انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک دارند، ولی تبهکاران، سود و نفع مادی و مالی را در اولویت قرار می‌دهند.
۲. گروه‌های تروریستی تلاش می‌کنند مشروعیت و حقانیت رژیم سیاسی را به چالش بکشند و خود را به‌عنوان رقیب حکومت مطرح می‌کنند. تبهکاران چنین دغدغه‌ای ندارند.

۳. تروریست‌ها به جلب توجه رسانه‌ها و افکار عمومی علاقه شدید دارند و در اصل یکی از دلایل توسل به خشونت‌شان هم جلب توجه و از آن طریق، تبلیغ ایدئولوژی‌شان است، اما تبهکاران معمولاً از رسانه‌ها می‌گیرند.

۴. خشونت گروه‌های تبهکار، سنجیده‌تر، حساب‌شده‌تر و با تفکیک بیشتری توأم است، ولی تروریست‌ها به خشونت کور و جمعی هم متوسل می‌شوند (Schmid, n.d: 5-6؛ سلیمی، ۱۳۹۹: ۵۱-۵۲).

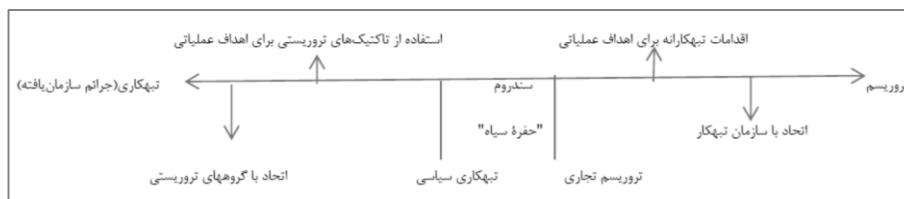
به نظر می‌رسد با این اوصاف، دو گروه دلایل خوبی برای دوری از هم داشته باشند. تروریست‌ها، گروه‌های تبهکار را افرادی پول‌پرست و حریص می‌دانند که به ارزش‌های انسانی یا ایدئولوژیک آنان ارجحی نمی‌نهند. از طرف دیگر، همین افراد طماع ممکن است آن‌ها را «بفروشند» و به عبارت دیگر، به سهولت دست به «خیانت» بزنند. تبهکاران نیز نگران‌اند که گروه‌های تروریستی با تحکیم سلطه خود، به باج‌گیری بیشتر روی آورند و یا کسب و کارشان را از آنان بگیرند. از این‌رو، ظاهراً دو گروه نباید نسبت به یکدیگر نظر مناسب و مساعدی داشته باشند.

ب. پیوند گروه‌های تروریستی و تبهکار

بعضی محققان منکر ارتباط جدی سازمان‌های تبهکاری و تروریست‌ها بوده و این ارتباط را اغراق‌آمیز دانسته‌اند و حتی روابط سیاست‌مداران با سازمان‌های تبهکار را بیشتر و وسیع‌تر دانسته‌اند (Shelly and Picarelli, 2005: 5-6). محققانی مانند آلکس اشمید هم هشدار می‌دهند که نباید درباره روابط گروه‌های تروریستی و مجرمانه اغراق شود، اما همان‌طور که وی اذعان دارد، این قبیل روابط بین گروه‌های تروریستی و سازمان‌های تبهکار وجود دارد و شاید بیش از تأکید بر روابط مزبور باید به ایجاد امکانات مجرمانه و تبهکارانه در داخل این گروه‌ها توجه داشت (Schmid, n.d: 11). به هر حال، حداقل در شرایط کنونی، روابط گروه‌های تروریستی مهم جهان با سازمان‌های دخیل در جرایم سازمان یافته، محل بحث‌های جدی واقع شده و همین وضع طلب می‌کند تا روابط مزبور با دقت بیشتری بررسی شود.

محققان روابط این دو نوع گروه یا سازمان را روی طیفی نشان می‌دهند که در یک طرف آن، تروریسم و در طرف دیگرش، تبهکاری قرار دارد.

شکل ۱. روابط میان سازمان‌های تروریستی و تبهکار



Source: Makarenko, 2004

ماکارنکو با طرح این طیف، مدعی است در وهله اول یعنی مرحله اتحاد، دو گروه می‌توانند به صورتی طولانی مدت یا کوتاه مدت یا حتی فقط یک بار، از تخصص همدیگر (پول‌شویی، جعل اسناد و مدارک، ساخت و کارگذاری بمب، عبور غیرمجاز از مرز و...) استفاده کنند (Makarenko, 2004: 133). مثال معروف در این زمینه، فارک^۱ است که با کارتل‌های مهم مواد مخدر کلمبیا ارتباط طولانی داشته است (Schori-Liang, 2011: 3). در مرتبه دوم، دو گروه ممکن است به دلیل مشکوک بودن نسبت به نیت یکدیگر، به سمتی پیش بروند که توانایی و قابلیت‌های لازم و خلاف قانونی را در داخل خود بیورانند؛ یعنی گروه تبهکار تاکتیک‌ها و ابزارهای تروریستی را اتخاذ کند و بالعکس، گروهی تروریستی به فعالیت‌های خلاف قانون، مافیایی و تبهکارانه (نظیر قاچاق، پول‌شویی و...) بپردازد. حالت سوم، تقارب^۲ است؛ وضعیتی که در آن دو گروه به هم نزدیک شده و در یک سازمان واحد قرار می‌گیرند و احتمالاً یکی از آن‌ها به سازمان دیگر مبدل و متحول می‌شود. یعنی یا گروه تبهکار و مافیایی صاحب انگیزه‌ها و ایدئولوژی سیاسی می‌شود و یا اینکه گروه تروریستی به گروهی تبهکار تبدیل می‌شود و فقط شعارهای سیاسی یا ایدئولوژیک را کاملاً ترک نکرده است.

1. FARC
2. Convergence

حالت اول معمولاً برای فرار از اقدامات سیاسی و قضایی علیه باند تبهکار یا ایجاد انحصار در فعالیت‌های خلاف برای گروه به وجود می‌آید. حالت دوم اغلب به سبب طمع یا رنگ‌باختن ایدئولوژی اتفاق می‌افتد. بین این دو «حفره سیاه» وجود دارد و آن وضعیتی است که طی آن، اولاً: انگیزه‌های اصلی گروه‌های درگیر جنگ داخلی، از سیاست به اهداف جنایی کشیده می‌شود؛ ثانیاً: دولت را گروهی ترکیبی (مربک از تبهکاران و تروریست‌ها) به دست می‌گیرند. ماکارنکو افغانستان عصر طالبان، آنگولا، میانمار، کره شمالی، سیرالئون، تاجیکستان و قسمت‌هایی از افغانستان فعلی، تایلند و اندونزی را در این مقوله قرار می‌دهد (Schori-Liang, 2011: 134-8). یکی دیگر از نمونه‌های این حالت سوم را روابط گروه‌های مافیایی آلبانیایی تبار در منطقه بالکان با ایدئولوژی پان‌آلبانیسم دانسته‌اند؛ روابطی که در کوزوو نیز با قوت و حدت وجود داشته است (Roth, 2017: 51-2).

محققان برخی اصطلاحات ویژه نیز برای مطالعه روابط این دو نوع سازمان به کار گرفته‌اند. برای نمونه، از اوائل دهه ۱۹۸۰ اصطلاح نارکو تروریسم^۱ برای توصیف سازمان‌هایی چون راه درخشان (پرو) یا فارک (کلمبیا) مورد استفاده بوده است و مراد از آن توسل سازمان تروریستی به فعالیت‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر برای تأمین مخارج مبارزه مسلحانه بوده است (Roth, 2017: 52). تعبیر سازمان‌های ترکیبی هم رواج دارد و برای سازمان‌هایی که هر دو خصیصه تبهکاری و تروریسم را در خود جمع کرده‌اند، به کار می‌رود (Williams, 2014: 15; Shelley, 2014: 8). در این تحقیق، از پیوند تروریسم و تبهکاری سخن گفته می‌شود که اعم از هر دو اصطلاح فوق است.

در این مقاله بحث از علل و دلایل همکاری این دو نوع سازمان، منافع هر یک و شیوه‌های تأمین منافع و منابع آن‌ها نیست و تنها اشاره می‌شود که این دو گروه در حوزه‌های قاچاق (انواع و اقسام قاچاق‌های تخصصی نظیر قاچاق اشیای عتیقه، قاچاق انسان، مواد مخدر و...)، جعل اسناد و مدارک، پول‌شویی، آدم‌ربایی و باج‌گیری و نظایر آن‌ها، تاکتیک‌ها و تخصص‌های هم‌دیگر را به خدمت می‌گیرند و یا در حوزه‌های مزبور به هم نزدیک می‌شوند. این امر باعث به وجود آمدن شبکه‌هایی از روابط می‌شود و چرخه‌های معیوب جدیدی شکل

می‌گیرد. ظاهراً نیاز دو طرف به تخصص یکدیگر، سود بردن هر دو از ضعف اقتدار دولتی و سیستم قضایی و انتفاع مادی آن‌ها از فعالیت‌های غیرقانونی علل اصلی این مسئله محسوب می‌شوند.

ج. پ.ک.ک و جرایم سازمان یافته

هنگامی که یک سازمان به مبارزه مسلحانه متوسل می‌شود و تعداد اعضایش از محفلی کوچک فراتر می‌رود، باید هزینه‌های مختلفی را برای تهیه سلاح، مواد غذایی، پوشاک و سایر مایحتاج بپردازد. این نیاز مالی باید به گونه‌ای تأمین شود. ممکن است قسمتی از این هزینه‌ها از راه کمک‌های داوطلبانه یا حق عضویت اعضا و یا احياناً حامیان متمول تأمین گردد (Schmid, 3: nd). اما پس از مدت کوتاهی گروه مجبور می‌شود یا از دولت دیگری کمک دریافت کند و لذا وابسته بدان دولت شود و موضع خود را آسیب‌پذیر کند و یا آنکه به فعالیت‌ها و اقدامات غیرقانونی روی آورد. پ.ک.ک در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تشکیل شد و در اصل سازمانی با ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بوده است. اما بعدها صبغه ناسیونالیستی آن بارزتر شده است. اعضای سازمان طی یکی دو سال به چند هزار تن افزایش یافت و علاوه بر مناطق کوهستانی جنوب شرق ترکیه، در شمال عراق نیز اردوگاه‌های آموزشی تأسیس کرد.

بعدها در جریان اختلافات سوریه و ترکیه، حکومت حافظ اسد به اوج آلان (رهبری پ.ک.ک) و پ.ک.ک اجازه داد مقرهایی در داخل خاک سوریه و مهم‌تر از آن، در دره بقاع لبنان تأسیس کند («آکادمی معصوم کورکماز» در بقاع قرار داشت). علاوه بر مخارج آموزشی، استقرار، رفت و آمد و هزینه‌های زندگی اعضا و پیوستگان سازمان، تهیه سلاح و مهمات، به‌ویژه از راه قاچاق و بازار سیاه منطقه (به‌خصوص در شمال عراق) مستلزم منابع مالی قابل توجهی بود. همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، این سازمان در اوایل دهه ۱۹۸۰ کمابیش با سازمان‌های مافیایی روابطی داشته است. مهاجرت ناراضیان کرد (و ترک) پس از کودتای ۱۹۸۱ به اروپا، توجه سازمان را به اروپا هم جلب کرد و سلسله‌ای از فعالیت‌های غیرقانونی به دنبال آن پدید آمد. باز همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، به نظر می‌رسد که اعضای کردتبار سازمان‌های مافیایی و دخیل در جرایم سازمان‌یافته، گاهی اعمال خویش را با استناد به

مبارزه ملی - انقلابی پ.ک.ک.موجه می‌ساختند. به هر صورت، پ.ک.ک. علاوه بر فعالیت‌های غیرقانونی، از شیوه‌های دیگری هم کسب درآمد کرده است که یکی از آنها دریافت کمک مستقیم از حکومت‌های مخالف دولت و حکومت ترکیه بوده است.

این ادعا وجود دارد که تقریباً همه کشورهای همسایه ترکیه به پ.ک.ک. کمک مالی یا نظامی کرده‌اند. لیلیا زانا از سیاستمداران معروف کرد و عضو پارلمان از حزب ه.د.پ.^۱ در اظهارنظری گفته است که ۲۰ کشور از پ.ک.ک. استفاده کرده‌اند (Milliyet, 2017/3/9). این رقم ممکن است اغراق‌آمیز باشد، اما اگر توجه شود که پ.ک.ک. تحت پوشش سازمان‌های خیریه، غیردولتی و... مشغول جمع‌آوری کمک یا باج‌گیری از کردهای اروپاست و کشورهای اروپایی با این قبیل فعالیت‌ها به هر دلیلی مقابله مؤثر نمی‌کنند، این نظر چندان هم اغراق‌آمیز نخواهد بود.

در خصوص روابط پ.ک.ک. با گروه‌های تبهکار تحقیقات زیادی صورت گرفته است. فرضیه ما در این تحقیق آن است که پ.ک.ک. در دو حالت از سه حالت مذکور در طیف ماکارنکو فعالیت داشته است؛ به عبارت دیگر، هم با گروه‌های تبهکار حرفه‌ای وارد همکاری شده و نوعی رابطه همزیستی^۲ با آنها برقرار کرده است و هم تاکتیک‌ها و فنون آنها را اخذ کرده و در داخل خود پرورش داده است.

۱. همکاری و همزیستی پ.ک.ک. با سازمان‌های تبهکار

بیشتر مناطق کردنشین ترکیه در جوار مرزهای ایران، عراق و سوریه واقع است و این نقاط از دهه‌ها قبل مرکز و سرپل انتقال مواد مخدر و سایر اجناس قاچاق به اروپا بوده است. شواهد حاکی از آن است که پ.ک.ک. از زمان شروع مبارزه مسلحانه و قدرت‌گیری‌اش در اوایل دهه ۱۹۸۰ با گروه‌های قاچاقچی و عرضه‌کنندگان مواد مخدر مرتبط شده است. شواهد و اطلاعات موجود نشان می‌دهد اولین فردی که تماس بین گروه‌های مزبور و پ.ک.ک. را برقرار کرد، عثمان اوچ‌آلان برادر عبدالله اوچ‌آلان با نام سازمانی فرهاد بود (Pek and Ekici, 2007):

1. HDP
2. Symbiosis

143). این نکته در اظهارات عبدالله اوج‌آلان در دادگاه نیز انعکاس یافته است: «بهبخت جانتورک هم از سازمان ما هم حمایت می‌کرد. پ.ک.ک از خانواده جهانگیر در یوکسک اووا و خانواده‌های تورک و قهرمانلار در ماردین پول زیادی جمع‌آوری کرده است. علاوه بر این‌ها، تاجران بسیاری از ما حمایت مالی کرده‌اند که اسم‌شان را نمی‌دانم... عثمان اوج‌آلان... هم از افرادی که مواد، سلاح و مهمات حمل می‌کردند، پول جمع‌آوری می‌کرد... به علاوه ساختاری موسوم به واحدهای گمرک در سازمان وجود داشت که در مرزها مستقر بودند. این‌ها از عبورکنندگان غیرمجاز پول می‌گرفتند...» (Pek and Ekici, 2007: 144).

از همین نقل قول اوج‌آلان هم برمی‌آید که سازمان حداقل از دو طریق باج‌گیری می‌کرده است؛ ۱. از طریق کنترل نقاط عبور و مرور قاچاقچی‌ها و دریافت «گمرک» و «باج» از آنان (Rollins et al., 2010: 9)؛ و ۲. مالیات‌گیری از خانواده‌ها و اشخاصی که درگیر کار قاچاق، کشت مواد مخدر و فرآوری و فروش آن بودند.

در میان اسناد و مدارکی که نیروهای انتظامی ترکیه و یا محققان بین‌المللی منتشر کرده‌اند، شواهد فراوانی برای هر دو دسته اقدام وجود دارد. اکثر کسانی که به دلیل حمل و قاچاق مواد مخدر در ترکیه دستگیر شده‌اند، اذعان داشته‌اند که پ.ک.ک مالیات ده درصدی از قاچاق هروئین می‌گرفت؛ مبلغی که در اواخر دهه ۱۹۹۰ حدود هزار مارک آلمان برای یک کیلوگرم هروئین بود (Ekici et al., 2011: 8). با آنکه محل اصلی قاچاق هروئین مرز ایران و ترکیه بوده، اما مالیات‌گیری پ.ک.ک محدود به این ناحیه نبوده است. گفته می‌شود که پ.ک.ک سراسر مسیر قاچاق تا اروپا را تحت پوشش گرفته بود. پس از مبارزه شدید با قاچاقچی‌های بزرگ در اواسط دهه ۱۹۹۰ مراکز و مقرهای سران باندهای مافیایی و قاچاق به اروپا منتقل شد و پ.ک.ک کوشید تا از فروشندگان خیابانی مواد در اروپا هم مالیات بگیرد. این امر به درگیری دو طرف، به اشکال مختلف انجامید. پلیس آلمان در سپتامبر ۱۹۹۹ یک شبکه توزیع هروئین توسط پ.ک.ک را متلاشی کرد (Ekici et al., 2011: 9). براساس گزارش پلیس آلمان، شبکه مزبور هر ماه یک میلیون مارک به پ.ک.ک انتقال می‌داده است.

باج‌گیری و اخاذی هم شیوه دیگری برای اخذ «مالیات انقلابی» بود. همان‌طور که از اشارات اوج‌آلان هم آشکار می‌شود، خانواده‌های متمول و اغلب درگیر فعالیت‌های خلاف

قانون هم مشمول باج‌ستانی می‌شدند. برای نمونه، خانواده معروف بای‌باشین^۱ را می‌توان ذکر کرد که اکثر اعضای آن اینک در زندان‌های اروپا به سر می‌برند. برای نمونه، مطابق گزارش رسانه‌های اروپایی خانواده بای‌باشین از دهه ۱۹۷۰ در کارگاه‌های مخفی در منطقه لیجه (اطراف دیاربکر) هروئین تولید می‌کرد. ثروتی از این راه حاصل شده و حسین بای‌باشین فرزند ارشد خانواده ملقب به «امپراتور» شده بود. حسین و سایر اعضای سرشناس خانواده به دلیل تحت تعقیب قرارگرفتن در دهه ۱۹۹۰ به اروپا می‌روند و شبکه توزیع هروئین را در بریتانیا، هلند، بلژیک، اسپانیا و آلمان به وجود می‌آورند؛ شبکه‌ای که صدها میلیون دلار قاچاق می‌فروخته است. حداقل قسمتی از این پول به پ.ک.ک انتقال پیدا کرده است (Bennetto, 2006). حسین بای‌باشین خود در سخنانش گفته است: «من گُردم. برای رفاه اقتصادی کردها هرچه از دستم برآید، می‌کنم. به کلوپ‌های فرهنگی بسیاری کمک کردم [ولی کمک‌هایم] در دستان عوامل پ.ک.ک ظاهر شد» (Ekici, Williams and Akbulut, 2011:9).

هنگامی که حسین بای‌باشین تصمیم گرفت دیگر کمکی به پ.ک.ک نکند، جنگ بین شبکه وی و شبکه‌های پ.ک.ک آغاز شد. حسین بای‌باشین در سال ۲۰۰۱ به دلیل توطئه برای قتل، آدم‌ربایی و قاچاق مواد مخدر در هلند به حبس ابد محکوم شد و برادرش عبدالله بای‌باشین جای وی را گرفت (Bennetto, 2006). گزارش‌های متعددی هم از اقدام پ.ک.ک به «وصول طلب» شبکه‌های توزیع‌کننده نزدیک به این سازمان از بستانکاران وجود دارد (Ekici and Pek, 2007) که نشان می‌دهد این همزیستی فراتر از مالیات‌گیری بوده است.

۲. پ.ک.ک در مقام سازمانی ترکیبی

پ.ک.ک پس از مدتی و به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۹۰ متوجه شد که به‌جای مالیات‌گیری از قاچاقچی‌ها، می‌تواند خود رأساً در کار قاچاق وارد شود و سود خود را افزایش دهد. به نظر محققان، دست‌کم سه علت سبب روی‌آوری پ.ک.ک به عرضه مستقیم مواد مخدر شد؛ ۱. افول بازارهای هروئین باعث شد که فروشندگان نزدیک به پ.ک.ک نتوانند درآمد زیادی کسب کنند و لذا رغبتی به پرداخت مالیات نداشتند. دلیل این امر روی‌آوری بازارهای مواد

مخدر اروپایی به کوکائین و محرک‌های نوع آمفتامین بود؛ ۲. انحصار توزیع محصولات اخیر را شبکه‌های مافیایی اروپای شرقی، روسی و سازمان‌های امریکای جنوبی برعهده داشتند و به‌ویژه روس‌ها و آلبانیایی‌ها انحصار سازمان‌های مافیایی ترکیه‌ای را شکستند؛ ۳. حضور پ.ک.ک در سراسر مسیر اروپا، ایجاد یک سازمان/ شبکه وسیع را تسهیل کرد (Jamal Khan and Er, 2013: 34) با ورود پ.ک.ک به عرصه قاچاق، شکل و انواع فعالیت‌های آن گسترش یافت.

خرده‌فروشی مواد مخدر: فروش مواد در سطح خرد محتاج شبکه‌ای وسیع و افرادی آشنا به فنون «توزیع و بازاریابی» است. به عقیده بعضی تحلیل‌گران پ.ک.ک، سازمان مزبور احتیاجی به تأسیس شبکه نداشت و برای منظور خود از دیاسپورای کرد ساکن کشورهای اروپایی و به‌ویژه آلمان و هلند استفاده کرد (Sahin, 2001: 37). ادعا شده است که به‌ویژه از پناهجویان، بیکاران و کودکان گُرد برای توزیع استفاده شده است. در دهه ۱۹۹۰ که دوران شکوفایی توزیع هروئین توسط پ.ک.ک بود، پلیس آلمان کودکان متعددی (بین ۸ تا ۱۲ ساله) بازداشت کرد که در بازجویی به فروش مواد مخدر برای پ.ک.ک اعتراف کرده‌اند (Pek an Ekici, 2007: 9; Ridly and Ridly, 2012: 140). تصور می‌رود که سازمان‌های پوششی فرهنگی هم در این نوع توزیع‌ها دست داشته‌اند. توزیع مستقیم مواد مخدر توسط پ.ک.ک باعث درگیری آن با شبکه‌های محلی شده و موجب شده تا این دو گروه یکدیگر را آماج حمله قرار داده و یا لو دهند. یکی از نمونه‌های مشهور، گروه مافیایی بومباجی‌لارا^۱ بود که زیر نظر خانواده بای‌باشین تشکیل شده بود و برای توزیع مواد مخدر و باج‌گیری و اخاذی از شهروندان کردتبار و ترک‌تبار لندن فعالیت می‌کرد.

در نوامبر ۲۰۰۲ درگیری دو گروه رقیب باعث قتل فردی به نام عالیشان دوغان شد (Summers, 2006). به نظر می‌رسد که دعوای اصلی بر سر انحصار فروش هروئین بوده است. دادستان کل آلمان اعلام کرده است هشتاد درصد مواد مخدر ضبط‌شده در اروپا به پ.ک.ک یا سایر گروه‌های ترکیه‌ای مربوط بوده است (Glenn and Karacan, 2002: 20). در یکی از جدیدترین اقدامات حقوقی علیه فعالیت‌های پ.ک.ک (۱ سپتامبر ۲۰۱۷) دادگاه

اتریش و پلیس بلژیک در همکاری با همدیگر، باندی بین‌المللی را متلاشی کردند که برای مدت ده سال هروئین، کوکاین و آمفتامین نیمی از اروپا را (شامل سوئیس، فرانسه، آلمان، هلند و اتریش) تأمین می‌کرد و مرکز آن در هاسلت^۱ بلژیک بود. این باند مواد را از بنادر روتردام و آنتورپ^۲ وارد کرده و به خانه سردسته^۳ گرد باند در شهر هاسلت منتقل می‌کردند. سپس آن را به مقادیر قابل مصرف تقسیم کرده و بار اتومبیل‌های دستکاری شده می‌کردند. در مواردی، در زیر داشبورد اتومبیل‌های کشف‌شده قسمت‌هایی با گنجایش ۵ کیلو مواد مخدر داشتند. چهار عضو باند بازداشت شده و از آن طریق کل شبکه بر ملا شده بود. از این گروه چندین اتومبیل و مقادیر قابل توجهی پول نقد به دست آمد و طبق تخمین‌ها، از سود سالانه و چندین میلیون یورویی باند، قسمت مهمی روانه ترکیه و پ.ک.ک. می‌شده است (Hasseltse drugsbande..., 2017).

پول‌شویی: پ.ک.ک. از دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های مالی برای جمع‌آوری پول، کمک، باج‌گیری، اخاذی و... تشکیل داده بود. ابتدا اتحادیه دمکراتیک خلق^۴ گرد^۳ به وجود آمد. سپس در سال ۲۰۰۱ انجمن کارمندان کرد (موسوم به کارساز^۵) در آمستردام تأسیس شد. رئیس امور مالی کارساز سلیم چوروک‌کایا^۶ بود که از بنیان‌گذاران پ.ک.ک. محسوب می‌شود و پس از دستگیری اوج‌آلان ظاهراً از این سازمان کناره گرفت. رسانه‌ها و به‌ویژه رادیو و تلویزیون از مهم‌ترین کانال‌های پول‌شویی پ.ک.ک. بوده است. ابتدا تلویزیون مد^۶ از بریتانیا پخش برنامه‌های خود را آغاز کرد. هنگامی که مجوز موقت آن به دلیل تشویق به خشونت و اغتشاش و نقص مدارک و تأمین مالی از راه پول مواد مخدر تعطیل شد (آوریل ۱۹۹۹)، تلویزیون مدیا پخش برنامه را از بلژیک آغاز کرد (جولای ۱۹۹۹). مجوز این کانال هم توسط فرانسه در فوریه ۲۰۰۴ به دلایل مشابهی باطل شد و از آن سال «روژ تی‌وی»^۷ تا ۲۰۱۲ ارگان اصلی

-
1. Hasselt
 2. Antwerp
 3. KDHB
 4. KARSAZ
 5. Selim Çürükçaya
 6. MED TV
 7. Roj TV

تلویزیونی پ.ک.ک محسوب می‌شد. در این سال مقامات دانمارکی با تأکید بر رابطه این تلویزیون با پ.ک.ک، کانال مزبور را تعطیل کردند.

از آن زمان، کانال‌های مختلف و از جمله تلویزیون استرک^۱ فعالیت‌های آن‌ها را ادامه می‌دهد. اداره کانال تلویزیونی مستلزم هزینه فراوانی است. طبعاً بخشی از درآمدهای سازمان در این تلویزیون‌ها خرج می‌شود. اما برگزاری مراسم «شب‌های همبستگی» برای جمع‌آوری کمک نیز از راه‌های تبدیل پول‌های نامشروع به پول مشروع است. با تحقیقات پلیس بریتانیا در سال ۱۹۹۵ معلوم شد که یازده میلیون دلار از یک حساب متعلق به تلویزیون مد برای مواد مخدر، خرید و قاچاق انسان استفاده شده است (Ozkan, 2016: 326). در تحقیقات پلیس بلژیک نیز معلوم شد که پ.ک.ک پول‌شویی را از طریق پانزده شرکت پوششی انجام می‌دهد است (Roth and Sever, 2007). عملیات مشترک پلیس فرانسه و بلژیک در سال ۲۰۰۲ نشان داد که یک شرکت مرتبط با پ.ک.ک در پاریس کار پول‌شویی را هدایت می‌کرده است (Ozkan, 2016: 320). عملیاتی که پلیس بلژیک با همکاری پلیس ایتالیا و فرانسه اجرا کرد بعضی اعضای سرشناس پ.ک.ک مانند زیبر آیدار و رمزی کارتال - که در لیست قاچاقچی‌های مهم امریکا هم قرار داشتند - بازداشت شدند. اتهام این افراد دخالت در کلاهبرداری، جعل اسناد، تبلیغ و عضوگیری برای پ.ک.ک، قاچاق انسان و... بوده است (Ozkan, 2016: 321).

کشت و فرآوری مواد مخدر؛ با اینکه تقریباً کل مواد مخدر مهم (تریاک و هروئین) از مرزهای شرقی و جنوبی ترکیه قاچاق می‌شود، اما گزارش‌هایی از فرآوری هروئین در داخل ترکیه منتشر شده است و از طرف دیگر ماده مخدر حشیش (که البته مصرف عمده آن در داخل ترکیه است) در خود ترکیه کشت می‌شود (Metelits, 2010: 140). مرکز اصلی کشت شاهدانه/کانابیس استان دیاربکر و مثلث هانی - لیجه - هازرو ملقب به «قندیل کوچک» است. حداقل در ۸۰ روستای این منطقه شاهدانه (گیاه حشیش) کشت می‌شود و از طرف دیگر، این منطقه از محل‌های استقرار کمپ‌های آموزشی و غارها و انبارهای مخفی نیروها و مهمات پ.ک.ک بوده است (Cengiz, 2016: 7). فهرست کشفیات از این نواحی را محققان به‌دست

داده‌اند (Ekici, 2013). در جریان آغاز مجدد درگیری ارتش و نیروهای ژاندارمری ترکیه با پ.ک.ک در این مناطق، مثلث مزبور چند ماه تحت محاصره قرار گرفت و میلیون‌ها بوته کاناویس امحاء شد. با این حال، نباید از یاد برد که در ترکیه فقط پ.ک.ک در کشت و فرآوری حشیش فعال نیست.

حتی فرآوری هروئین هم توسط قاچاقچی‌های و باندهای مختلف صورت می‌گیرد و طبعاً همان‌طور که در گزارش استراتژی کنترل بین‌المللی مواد مخدر وزارت خارجه امریکا هم آمده است، وجود فساد در سیستم اداری و راه‌های نفوذ و گریزگاه‌های قانونی هم بر عدم توفیق در مبارزه با مواد مخدر می‌افزاید (Bureau of International.., 2014: 306-7). گزارش‌هایی از کشت مواد مخدر و کاناویس توسط پ.ک.ک در شمال عراق نیز وجود دارد (Gurr and Mincheva, 2008: 19).

قاچاق سیگار و جعل اسناد: مشارکت پ.ک.ک در قاچاق سیگار موضوع نسبتاً قدیمی تری است. در سال ۲۰۰۰ زمانی که نیروهای پلیس ترکیه به یک خانه امن گروه هجوم بردند، در حالی که تصور می‌کردند به یکی از مراکز فرماندهی گروه وارد شده‌اند، با دستگاه برچسب‌زن مالیاتی و سایر دستگاه‌های جعل سند مواجه شدند. این دستگاه‌ها برای جعل و سنددار و مجوزدار کردن سیگارهای قاچاق بود (Brightman and Howard, 2011: 358). کمیسیون اتحادیه اروپا پ.ک.ک را به دلیل دخالت در حمل و نقل غیرقانونی سیگار «شبکه ترور» نامیده و در گزارش خود اعلام کرده است که این گروه مقادیر عظیمی پول با قاچاق سیگار امریکایی به عراق (از طریق مرز با ترکیه) کسب کرده است. بنابراین گزارش، عدی صدام سیگار قاچاق را از این گروه خریداری کرده و سالانه ۲/۷ میلیارد دلار سود برده است (Brightman and Howard, 2011: 359; Roth and Sever, 2014: 912). براساس برخی گزارش‌ها، پ.ک.ک علاوه بر مشارکت در قاچاق سیگار، از سایر قاچاقچی‌ها هم مالیات و گمرک دریافت می‌کند.

گفته می‌شود که از هر بسته (باکس) سیگار هفت دلار و از هر ظرف ۷۲ لیتری گازوئیل ۳۵ دلار دریافت می‌شود. البته پ.ک.ک از آن‌ها در مقابل سایر گروه‌های خلافکار هم حمایت به عمل می‌آورد (Ridley an Ridley, 2012: 141). قاچاق سیگار به ترکیه از سال ۲۰۱۰ و با

افزایش مالیات بر دخانیات شدت گرفت. براساس یک گزارش بین المللی، شرکت بزرگ بلغارتاباک^۱ بزرگترین شرکت دخانیات بلغارستان، در کار قاچاق مشارکت داشته است. قاچاقچی‌ها محصولات این شرکت (به‌ویژه مارک‌های محبوبی مثل ویکتوری، پرستیژ و...) را از شمال عراق و سوریه به ترکیه انتقال می‌دهند (CIstran Finance Reports, 2017). براساس گزارش دولت ترکیه، حدود نیمی از حدود سه میلیارد لیره سیگار قاچاقی که در بازار این کشور وارد می‌شود، متعلق به بلغارتاباک است و این محصولات در مناطق تحت کنترل پ.ک.ک در شمال عراق بسته‌بندی و بارگیری می‌شوند (CIstran Finance Reports, 2017; Shelley, 2014: 275). شرکت مزبور به همکاری با داعش هم متهم شده است.

دخالت پ.ک.ک در قاچاق اشیای تقلبی، جعل اسکناس و مهرهای دولتی هم شهرت دارد (Center for Excellence, 2008: 86). در واقع، همه اعضای پ.ک.ک هنگامی که بازداشت می‌شوند، اوراق هویتی جعلی به همراه دارند. طبیعی است که چنین تشکیلاتی باید اسباب و امکانات جعل اسناد و مدارک دولتی را هم داشته باشد.

قاچاق انسان: شرکت پ.ک.ک در قاچاق انسان از سال‌های آغاز هزاره سوم رونق گرفت. تخمین زده می‌شود که درآمد پ.ک.ک از این راه حدود ۳ تا ۵ میلیون دلار امریکا باشد (Ridly and Ridly, 2012: 141). پلیس اینترپول تخمین زده است که پ.ک.ک از هر مهاجر غیرقانونی مبلغی بین ۲ تا ۳ هزار دلار دریافت می‌کند (Roth, 2016: 347). ایتالیا یکی از مسیرهای اصلی قاچاق انسان توسط پ.ک.ک بوده است. براساس گزارش پلیس ایتالیا، فقط در یک عملیات، پ.ک.ک ۹ هزار کُرد را از آناتولی به اروپا (از راه خشکی و دریا) رسانده است (Center of Excellence, 2008: 86). بر این اساس، عملیات قاچاق انسان از شمال عراق آغاز شده و با عبور از ترکیه و یونان به اروپای غربی به‌ویژه آلمان و ایتالیا می‌رسد (Center of Excellence, 2008: 86). در سال ۲۰۰۵ مطبوعات رومانی گزارش دادند که پلیس این کشور یک شبکه قاچاق انسان مرتبط با پ.ک.ک را متلاشی کرده است؛ شبکه‌یی که افراد را از ترکیه به رومانی، مجارستان، اتریش، بریتانیا و فرانسه انتقال می‌داد. پلیس در بازرسی محل به

پاسپورت‌ها و اسناد بانکی جعلی دست یافت و برآورد کرده است که از هر فرد ۶ تا ۷ هزار دلار دریافت شده است (Center of Excellence, 2008: 86).

به عبارت دیگر، پ.ک.ک نه تنها به انتقال غیرقانونی مهاجران مشغول بوده است، بلکه چون این کار مستلزم تهیه ویزا، پاسپورت و اوراق مسافرتی و جعلی است، در جعل این اسناد هم تخصص یافته است. بعضی محققان بر این نکته تأکید کرده‌اند که فساد موجود در سیستم اداری و نیروهای پلیس ترکیه و سایر کشورهای اروپای شرقی از علل اصلی تداوم این نوع قاچاق انسان بوده است (Shelley, 2014a: 65; Shelley, 2014b: 10). موضوع مهم و مرتبط دیگر، سرقت اتومبیل و وسایل نقلیه است. پ.ک.ک در حملات انتحاری و انفجارهای کنترل از راه دور خود، از اتومبیل‌های بمب‌گذاری شده استفاده می‌کند. برای نمونه، طبق یک بررسی، در فاصله آگوست ۲۰۱۵ تا آگوست ۲۰۱۶ یعنی در شدیدترین دوران درگیری نیروهای نظامی و امنیتی ترکیه و پ.ک.ک طی یک دهه گذشته، از حدود ۴۸۸ حمله‌ای که توسط پ.ک.ک صورت گرفته، ۳۵ مورد از آن‌ها توسط اتومبیل‌های بمب‌گذاری شده بود و شامل حدود ۷ درصد حملات می‌شود (Özcelik, 2016: 10). اکثریت این اتومبیل‌ها مسروقه بودند و حدود یک سوم آن‌ها با اوراق هویتی جعلی اجاره یا خریداری شده بود (Özcelik, 2016: 10).

بدیهی است که سرقت اتومبیل از غربی‌ترین نقاط ترکیه، انتقال آن‌ها به مثلث لیجه-هانی-هازرو، تغییر رنگ و پلاک اتومبیل‌ها، سوارکردن بمب‌های عظیم و حجیم (بسته به نوع اتومبیل تا پانزده تن) بر آن‌ها و انتقال آن‌ها به مراکز و اهداف بمب‌گذاری در غرب، شرق و مرکز ترکیه از فعالیت‌های عادی یک سازمان مسلح سیاسی و ایدئولوژیک فراتر می‌رود. ادعاهایی وجود دارد دال بر اینکه این قبیل اتومبیل‌ها را پ.ک.ک از راه همکاری با سازمان‌های مافیایی، که در مناطق نفوذ گروه فعال‌اند، به دست آورده است.

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن، انقلاب ارتباطی از طریق اینترنت، پایان جنگ سرد و عدم حمایت دو ابرقدرت از گروه‌های مسلح مخالف یکدیگر و جنگ جهانی علیه تروریسم پس از یازده سپتامبر باعث روی آوردن گروه‌های تروریستی به فعالیت‌های مجرمانه و تبهکارانه شده است. در مورد

پ.ک.ک که در این مقاله بررسی شد، گسترش سازمان و تعداد افراد و دسترسی گروه به گذرگاه‌های مرزی و مراکز مبادلات قاچاق نیز از علل مهم گرایش این سازمان به فعالیت‌های مجرمانه است. طبیعی است که پس از وابستگی به درآمدهای ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی، نوعی «اعتیاد» در سازمان به وجود می‌آید و لذا سازمان خواهان تداوم فعالیت‌های خلاف قانون و یا توجیه آن‌ها می‌شود. سازمان‌های مسلح می‌کوشند اقدامات خلاف خویش را به یکی از دو طریق توجیه کنند؛ یکی، آنکه هدف، وسیله را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، اگر سازمانی برای اهداف عالی و ایدئولوژیک می‌جنگد و با دشمن مواجه است، حق دارد از هر سلاحی استفاده کند. دیگری، آنکه اقدامات سازمان علیه «دشمن» جلوه داده می‌شود. برای نمونه، اعضای القاعده یا طالبان قاچاق مواد مخدر با هدف آلودن کفار و صلیبیون توجیه می‌کنند (Williams 2014: 7).

در خصوص پ.ک.ک هم به نظر می‌رسد توجیهات مشابهی وجود دارد. بعضی طرفداران گروه مدعی‌اند که چون ترکیه (و البته سایر کشورهایی که اقلیت کُرد دارند) دولت کردها محسوب نمی‌شود، نقض قوانین آن دولت یا فعالیت قاچاق در آن، امری نیست که از نظر کُردها خلاف باشد.

به هر حال، با بررسی اقسام فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه پ.ک.ک در ترکیه، کشورهای اروپایی و عراق معلوم می‌شود که این گروه در تولید و استحصال، قاچاق و حمل، فروش عمده و خرده مواد مخدر مختلف شرکت کرده و پول‌های حاصله را از روش‌های مختلف و با پوشش‌های متفاوت به پول پاک تبدیل می‌کند و برای تهیه سلاح و سایر احتیاجات سازمان به کار می‌گیرد. از این منظر، پ.ک.ک به سهولت در زمره گروه‌های نارکوتروریست قرار می‌گیرد. با این حال، پ.ک.ک توانسته است تا حدود زیادی بُعد ایدئولوژیک و سیاسی خود را برجسته کرده و از اهمیت آن نگاهد. بنابراین، سازمان روی پیوستار ماکارنکو به سمت تبدیل به یک گروه تبهکار حرکت نکرده و در تحلیل نهایی سازمانی ترکیبی است که برای تأمین احتیاجات و هزینه‌های مبارزه مسلحانه/سیاسی خود از فعالیت‌های مجرمانه هم استفاده می‌کند.

در مجموع، می توان گفت که پ.ک.ک مجموعه ای به وجود آورده که در آن قاچاقچی ها، متصدیان تولید و فرآوری مواد مخدر (لابراتوارها)، فروشندگان مواد و پول شویان در پیوندی ارگانیک با سازمان فعالیت های مجرمانه را پیش می برند. از طرف دیگر، فعالیت های تبهکارانه و مجرمانه اقتضانات خود را دارد و تهدیدات جدیدی را متوجه جوامع میزبان می کند.

منابع

سلیمی، صادق (۱۳۹۱). جنایت سازمان یافته فراملی، نشر جنگل.

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، در آدرس زیر: www.cbi.ir/page/9317.aspx

Brightman, Hank J. and Howard, Lindsey W (2011), **Today's White-Collar Crime: Legal, Investigative, and Theoretical Perspectives**, Routledge.

Cengiz, Mahmut (2016) **Amped in Ankara: Drug trade and drug policy in Turkey from the 1950s through today**, Center for 21st Century Security and Intelligence: Latin America Initiative

Centre of Excellence Defence against Terrorism (2008), **Organizational and Psychological Aspects of Terrorism**, IOS Press.

CISTran Finance Reports (Mar 2, 2017), After dalliance with ISIS, Bulgartabac losses continue, available online at: <http://cistranfinance.com/stories/511086820-after-dalliance-with-isis-bulgartabac-losses-continue>

Ekici, Behsat (2013), "KCK Terör Örgütünün Kenevir Ekiminde Rolü" available online at: www.academia.edu/10238717/PKKnın_Kenevir_Ekimindeki_Rolü

Ekici, Behsat and Pek, Ahmet (2007), "Narcoterrorism in Turkey: The Financing of PKK-KONGRA-GEL from Illicit Drug Business", in: O.Nikbay and S.Hancerli (Eds.) **Understanding and Responding to the Terrorism Phenomenon**, IOS Press.

Finckenaue, James O. (2005), Problems of Definition: What is Organized Crime?, in: **Trends in Organized Crime**, Volume: 8 Issue: 3.

Glenn, Curtis and Karacan, Tara (2002) "The Nexus among Terrorists, Narcotics Traffickers, Weapons Proliferators, and Organized Crime Networks in Western Europe." Washington, DC: Library of Congress. Available online at: https://www.loc.gov/frd/pdf-files/WestEurope_NEXUS.pdf

Golder, Ben and Williams, Georges (2004), "What is Terrorism? Problems of Legal Definitions", **UNSW Law Journal**, Vol.27 (2).

Gunaratna, Rohan (2001), "The Lifeblood of Terrorist Organizations: Evolving Terrorist Financing Strategies," in: Alex P. Schmid (ed.), **Countering Terrorism Through International Cooperation**, (Milan: ISPAC, 2001).

Gurr, Ted Robert and Mincheva, Lyubov (2008), "Unholy Alliances III: Communal Militants and Criminal Networks in the Middle East, with a Case Study of the Kurdistan Workers Party(PKK)", **The Annual Meeting of the International Studies Association**, San Francisco, 2008. available online at: http://www.humansecuritygateway.info/documents/ISA_unholyalliancesIII.pdf.

Hasseltse drugsbende "bevoorraadde half Europa (2017/sep/1), Het Belang van Limburg, available online at: <http://dutchturks.nl/belgian-and-austrian-authorities-crack-down-on-alleged-pkk-drug-cartel-in-europe/>

Jamal Khan, Kashif and Er, Olcay (2013) Cutting the link between drugs and terrorists: countering major terrorist-financing means, Monterey, California: Naval Postgraduate School, available online at: www.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/a585525.pdf

Laqueur, Walter (1999), **The New Terrorism: Fanaticism and the Arms of Mass Destruction**, Oxford University Press.

Makarenko, Tamara (2004), The Crime-Terror Continuum: Tracing the Interplay between Transnational Organised Crime and Terrorism, **Global Crime**, 6:1.

Metelits, Claire (2010), **Inside Insurgency: Violence, Civilians, and Revolutionary Group Behavior**, New York: New York University Press.

- Milliyet (2017), "Leyla Zana 'PKK'yı 20 devlet kullanıyor' dedi" available online at: <http://www.milliyet.com.tr/-leyla-zana-pkk-yi-20-devlet-siyaset-2410581/09.03.2017>
- Özçelik, Necdet (2016), PKK ve bombalı araç saldırıları, SETA: Siyaset, Ekonomi ve Toplum Araştırmaları Vakfı.
- Ozkan, Ozcan (2016), "Money Laundering Activities of the PKK" in: Alexander R. Dawoody (ed.), **Eradicating Terrorism from the Middle East: Policy and Administrative Approaches**, Springer.
- Ridley, Nicholas, and Ridley, Nick (2012) **Terrorist Financing: The Failure of Counter Measures**, Edward Elgar Publishing.
- Rollins, John, Wylar, Liana Sun, Rosen, Seth (2010), International Terrorism and Transnational Crime: Security Threats, U.S. Policy, and Considerations for Congress, 2010 available online at: <https://fas.org/spp/crs/terror/R41004-2010.pdf>
- Roth, Mitchel P. and Sever, Murat (2007) "The Kurdish Workers Party (PKK) as Criminal Syndicate: Funding Terrorism through Organized Crime, A Case Study", **Studies in Conflict & Terrorism**, 30:10.
- Şahin, F.S. (2001), **Case studies in terrorism-drug connection: The Kurdistan Workers' Party, The Liberation Tigers of Tamil Eelam, and the Shining Path** (unpublished master thesis). University of North Texas, Robert B. Toulouse School of Graduate Studies; 2001, available online at: https://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc2871/m2/1/high_res_d/thesis.pdf
- Schmid, Alex (no date), "Links between Terrorism and Drug Trafficking: A Case of "Narcoterrorism"?" available online at: https://www.academia.edu/1018250/Links_Between_Terrorism_and_Drug_Trafficking_A_Case_of_Narcoterrorism
- Shelley, Louise I. (2014a), **Human Smuggling and Trafficking into Europe: A Comparative Perspective**, Washington, DC. Migration Policy Institute
- Shelley, Louise I. (2014b), **Dirty Entanglements: Corruption, Crime, and Terrorism**, Cambridge University Press.
- Shelley, Louise I. and Picarelli, John T. (2005), Methods and Motives: Exploring Links between Transnational Organized Crime and International Terrorism, Available online at: <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/grants/211207.pdf>
- Schori Liang, Christina (2011), Shadow Networks: The Growing Nexus of Terrorism and Organised Crime, **Geneva Centre for Security Policy**.
- Summers, Chris (2006), The rise and fall of a drugs empire, BBC News, available online at: http://news.bbc.co.uk/go/pt/fr/-/2/hi/uk_news/4787088.stm
- Williams, Phil (2014), Organized Crime and Terrorism, The Latin American and Caribbean Center Florida International University, **LACC Working Paper No.2**
- West Sands Advisory LLP (2012), **Europe's Crime-Terror Nexus: Links between terrorist and organised crime groups in the European Union**, European Parliament, Brussels: Directorate-General for Internal Policies of the Union.

